

**آنچه در پی بی آید بر گی از دفتر ظهور معارف ائمه(ع) خصوصا امام حسین(ع) است که ما را با جلوه‌های از سبک زندگی اسلامی آن حضرت آشنا می‌سازد.**

امام حسین(ع) فرمود:
الادب هو ان تخرج من بیتک ولا تلقی احدًا الا رایبت له الفضل علیک- از امام(ع) درباره تربیت و ادب اسلامی پرسش کردند که ایشان در پاسخ فرمود:
ادب آن است که از خانه خود بیرون آیی و با هیچ کس برخورد نکنی مگر آن که او را برتر از خود بینی. (فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع) ص ۸۱۲)
فردی که مودب به تربیت اسلامی است باید خود را در پیشگاه خدای متعال و مردم کوچک شمرده و غیر خود را بالاتر و بهتر قلمداد کند. در نگاه امام(ع) مردم جلوه جمال و جلال الهی‌اند و از آنجا که به فقر وجودی خود کاملا واقف است همه را درصدم نمی‌نشانند و قدر و منزلت دیگران را در بارگاه الهی بالاتر و مقرب‌تر از خویش می‌داند و جایگاه خود را نازل و پست می‌شمارد. رویکردش در برابر ندای خویش و خلق خدا تواضع و فروتنی است و هیچ ادعایی درد. خویش را پیوسته بدهکار و شرمند و مقصر قلمداد می‌کند.

امام کاظم(ع) می‌فرمایند:
عقل انسان کامل نمی‌شود و به کمال لازم نمی‌رسد مگر به چند ویژگی از جمله:
۱- همه مردم را بهتر از خود بداند.
۲- خود را پیش خود از همه بدتر و پست‌تر بشمارد. (تحف‌المقول ص ۴۰۹)

بخش دوم سخن حضرت بسیار مهم است که آدمی وقتی خود را با دیگران مقایسه می‌کند، با روی نفس بگذارد و نه تنها آنان را بالاتر (مقرب‌تر و عزیزتر پیش خدا) بداند بلکه خود را نیز نه در سطح خود بلکه در حد پست‌تر و فروتر بشمار آورد. کلام نورانی آن دو امام عزیز از نظر واقع کاملا قابل تامل است. زیرا از لحاظ منطقی کسی نمی‌تواند برتری و بهتری و میزان تقرب خود را در پیشگاه خداوند اثبات کند. این تشخیص تنها از عهد معصومین(ع) و اولیاء خاص خداوند می‌آید. زیرا درک میزان تقرب و اندازه‌گیری تقوا و اخلاص و اینکه کدام یک از ما اهل نجات است، از توان عقل بشری خارج است. بنابراین چنانچه فردی خود را برتر قلمداد کندقطعاً دچار توهم و خیال شده و نسبت به این قضاوت عجولانه هیچگونه دلیل منطقی و قابل قبول ندارد.

حفص بن غیاث می‌گوید:
از امام صادق(ع) پرسیدم:
اگر فردی یک انسان گناهکاری ببیند و به خاطر بی‌گناهی و پاکدامنی خود، خویشتر را از او برتر بداند چطور است؟ فرمود: هرگز هرگز، چه بسا که آن فرد گناهکار در نهایت آمرزیده شود، اما تو را برای حسابرسی مدت‌ها نگاه دارند. (میزان الحکمه ج ۲ ص ۸۶۱)

**آثار خود را بهتر ندیدن**

نقل می‌کنند در عالم خواب به عبدلن از بنی‌اسرائیل که در کوهی عبادت می‌کرد گفتند:
برو نزد فلان کفش دوز و از او بخواه برایت دعا کند.
عابد او را پیدا کرد و پرسید کارت چیست؟ گفت: مدت‌ها نگاه دارند. (میزان الحکمه ج ۲ ص ۸۶۱)
**آثار خود را بهتر ندیدن**
نقل می‌کنند در عالم خواب به عبدلن از بنی‌اسرائیل که در کوهی عبادت می‌کرد گفتند:
برو نزد فلان کفش دوز و از او بخواه برایت دعا کند.
عابد او را پیدا کرد و پرسید کارت چیست؟ گفت: روزها روزه می‌گیرم و کفش‌دوزی می‌کنم. قسمتی از درآمد را

بی‌گمان ساختن حماسه سیاسی بدون بصیرت شاید خود مهم‌ترین چالش در برابر نظام اسلامی باشد. حماسه سیاسی و هر هیجان و تحرک اجتماعی بزرگ و تأثیرگذار زمانی می‌تواند ارزشی باشد که در چارچوب معیارهای ارزشی عقلانی و اسلامی قرار گیرد و گرنه نفس حماسه آفرینی نمی‌تواند یک ارزش تلقی شود. بنابراین، انتخاب صالح و اصلح از میان نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری که می‌خواهند مسئولیت بزرگ را به عهده گیرند نقش اساسی در خلق حماسه‌ارزشی دارد. از آنجایی که درک نیات و انگیزه‌های هر نامزد در پذیرش مسئولیت‌های امری، باطنی و نهان است، تنها راهکار شناخت، بهره‌مندی از معیارهای کشف حقیقت است. یکی از روش‌هایی که قرآن برای کشف حقیقت بیان کرده، رفتارشناسی است، چرا که هر شخصی در رفتار و کردارش نشان می‌دهد از چه شخصیتی برخوردار است و این شخصیت بر پایه چه بینش‌ها و نگرش‌هایی شکل گرفته است.

نویسنده در این مطلب با مراجعه به آموزه‌های قرآنی بر آن است تا معیار شناخت و کشف حقیقت را تبیین کند.

\*\*\*

رفتارشناسی از زیر شاخه‌های نشانه‌شناسی است. نشانه‌شناسی در

علوم تربیتی و روان‌شناسی اجتماعی به ما کمک می‌کند تا کنش‌ها و واکنش‌های هر فردی را تحلیل و تبیین کرده و به نتایج خوبی در شناخت شخصیت برسیم و توصیه‌هایی در این ارتباط داشته باشیم. نشانه‌شناسی در جایی که ما از شناخت شخصیت ناتوانیم و در نتیجه‌گیری از شخص و شخصیت مانده‌ایم، همچون نقب زدن در نهان برای رسیدن به مرکز باورها و بینش‌ها و نگرش‌ها و کشف شخصیت است.

**نشانه‌شناسی در قرآن**

خداوند از طریق همین روش‌های کشف حقیقت را نشانه‌شناسی دانسته است. بر این اساس همه هستی را به عنوان نشانه و آیت خداوندی معرفی می‌کند که انسان می‌تواند با آن به حقیقت خداوندی برسد و نسبت به خداوند شناخت پیدا کند. نشانه‌شناسی را می‌توان از روش‌هایی دانست که تا معلول به علت می‌رسند. البته در برخی از آیات قرآنی بر این نکته تأکید شده که اگر بتوانیم از علت به معلول برسیم در فهم حقایق دقیق‌تر عمل کرده‌ایم، چنان که در آیه ۴۵ سوره فرقان بیان می‌کند که خورشید دلیل و نشانه‌ای بر سایه است، یعنی این علت است که معلول را نشانه می‌دهد.

خداوند از آیات و نشانه‌های آفاقی و انفسی به عنوان راهکار استفاده کرده است، نه اینکه آن را عین حقیقت بداند یا اینکه تمام نمای حقیقت بشمارد، چرا که در هر حال، موجودات هستی همچون سایه برای حقیقت خداوندی است و سایه به یک معنا اصلا تصور حقیقت نور خورشید نیست، با این همه چیزی از آن حقیقت را بر می‌تاباند.

رفتارشناسی انسان نیز هر چند که نمی‌تواند گویای تمام شخصیت انسان باشد، ولی همچون نشانه‌ای می‌تواند به عنوان یک راه کار برای کشف حقیقت استفاده شود. خداوند در آیاتی از جمله ۳۰ سوره محمد(ص) می‌فرماید که می‌توان با نگاه به لحن گفتار افراد نسبت به آن‌ها معرفت و شناختی به دست آورد. به این معنا که لحن گفتاری، حقیقت باطن و عقاید شخص و انسان می‌تواند از این طریق درجه خلوص و ناخالصی شخصیت را به دست آورد. خداوند به صراحت در آیه ۸۴ سوره اسراء می‌فرماید:
کل یعمل علی شاکتله، هر کسی براساس ملکت و مزاج و ساختار نفسانی و شخصیت خود عمل می‌کند. به این معنی که معنا که رفتارها گویای شخصیت است.

نشانه‌هایی که می‌توان براساس آن شخصیت را شناسایی کرد به دو دسته نشانه‌های مثبت و منفی، خوب و بد، ارزشی و ضدارزشی تقسیم می‌شود. بنابراین برای شناخت هر شخص و شخصیت از جمله نامزدهای ریاست جمهوری می‌بایست به این نشانه‌های مثبت و منفی در رفتار آنان دقت کرد و براساس آن شخصیت آنان را شناخت و مورد ارزیابی قرار داد.

**نشانه‌های مثبت**

اگر بخواهیم همه نشانه‌های مثبت را همراه با تحلیل و تبیین معنا و

مفهوم آن بیان کنیم، شاید نتوان در این مطلب کوتاه از حد حق مطلب برآمد. از این رو در اینجا تنها به مهم‌ترین نشانه‌های اشاره خواهد شد.

البته به نشانه‌هایی اشاره می‌شود که برای مسئولیت مهمی چون ریاست

صدق‌ه داده و بقیه را خرج خانواده می‌کنم. عابد فکر کرد و گفت: روش خوبی است اما ارزش عبادت خالص برای خدا را ندارد. مجددا در خواب به او گفتند پیش کفش‌دوز برو و از وی بپرس این چهره نورانی تو از کجاست؟ روز بعد نزد او رفت و پرسید: کفش‌دوز گفت: شاید دلیلش این باشد که هیچ انسانی را ندیدم مگر اینکه از دلم گذشت و تصور کردم او نجات پیدا می‌کند و من شاید هلاک شوم. عابد گفت: این همان راز اصلی کمال است که ما از آن غافل هستیم، یعنی از خود راضی نبودن. (مجموعه ورام ج ۱ ص ۲۸۷)

اگر همین فرمایش امام شهیدان(ع) راخوب مورد توجه قرار دهیم، نتایج و آثار درخشانی را در روابط فردی و اجتماعی و اصلاح رفتار و سبک زندگی شاهد خواهیم بود. وقتی دیگران را بهتر و بالاتر از خود دانستیم بی‌گمان نسبت به آنها بی‌احترامی نمی‌کنیم، در غیبت آنان بدگویی و عیب‌جویی نخواهیم کرد، برای آنان تکبر و فخرفروشی نمی‌کنیم، با آنها به مجادله و دعوا و مشاجره نمی‌پردازیم، به سخنانشان توجه می‌کنیم و حتی الامکان به نصایح آنها گوش فرا می‌دهیم. هیچ‌گاه نسبت به ظاهر مردم قضاوت ارزشی نمی‌کنیم حتی رفتارهای زشت و بد آنها را دلیل برتر بودن نمی‌شناسیم.

## معارف

آورد و نیز درس تواضع و انسان‌دوستی را با عمل خویش به جامعه آموخت. (جلدالمعین ص ۵۰۱)
امام باقر(ع) نقل می‌کنند:
روزی امام حسین(ع) پیاده به سوی باغ خود در سرزمین حره می‌رفت. در بین راه نعمان بن بشیر سوار بر قاطر با امام ملاقات کرد. پیاده شد و مرکب را نزد حضرت برد و گفت:
یابن رسول‌الله سوار شوید و آن حضرت امتناع ورزید و سوار نشد. نعمان چند بار سخن خود را تکرار کرد و امام را سوگند داد که سوار شوند.

امام فرمود:
حال که مرا سوگند دادی، وادارم کردی به کاری که در دل کراهت داشتم. پس خودت سوار شو و من نیز پشت سر تو سوار خواهم شد. زیرا از مادرم فاطمه(س) شنیدم که از قول رسول خدا(ص) می‌فرمود:
هر انسانی برای سوار شدن بر مرکب خویش از

# نمی‌آوردی که دریای معارف حسینی

■ **محمد مهدی رشادتی**

**\* از امام حسین <sup>ع</sup> درباره تربیت و ادب اسلامی پرسش کردند که ایشان در پاسخ فرمود: ادب آن است که از خانه خود بیرون آیی و با هیچ کس برخورد نکنی مگر آن که او را برتر از خود ببینی.**

بدون شک با چنین رویکردی دوستی‌ها، رفاقت‌ها، محبت‌ها و همدلی‌ها افزایش می‌یابد.

**تواضع و فروتنی**

امام حسین(ع) روزی از محلی عبور کردند. عده‌ای از فقرا بر روی عباهای پهن شده خود نشسته بودند و نان پاره‌های خشکی می‌خوردند. امام(ع) وقتی از کنار آنها گذشت تعارفش کردند، او هم پذیرفت. با آنان نشست و غذا میل کردند و به ایشان فرمود:
ان‌الله لایجب المتکبرین (تحل۲۲) یعنی خدا متکبران را دوست نمی‌دارد. سپس فرمود:
من دعوت شما را اجابت کردم، شما هم دعوت مرا بپذیرید. آنها قبول کردند و همراه حضرت به منزل ایشان رفتند. سیدالشهداء دستور دادند هر چه در خانه موجود است به ضیافتشان بیاورند و بدین‌ترتیب پذیرایی گرمی از آنان به عمل



دیگران سزاورتر و در خوابیدن بر بستر خود از دیگران سزاورتر و برای نماز جماعت در منزل خود از دیگران سزاورتر است مگر اینکه مردم شخص دیگری را برای امامت نماز انتخاب کنند.

نعمان گفت:
دختر پیامبر(ص) راست گفت، من هم از پدرم شنیدم که از قول رسول خدا(ص) همین روایت را نقل می‌کرد و در پایان اضافه فرموده‌اند:
مگر صاحب مرکب اجازه بدهد. (فرهنگ سخنان امام حسین(ع) ص ۱۱۸)

روزی پیامبر(ص) به همراهان خود فرمود:
چه شده است که شیرینی عبادت را در شما نمی‌بینم؟ عرض کردند:
حلاوت عبادت چیست؟ فرمود:
تواضع و فروتنی. (میزان‌الحکمه ج ۲ ص ۱۰۶۳)
پیامبر فرمود:
هر کس برای خدا تواضع کند، خداوند او را بالا برد به طوری که او درنظر خودش ضعیف ولی در چشم مردم بزرگ

جلوه می‌کند و هر کس، بزرگی بفروشد خداوند او را خوار و پست می‌گرداند بطوری که در چشم مردم خوار و کوچک و درنظر خودش بزرگ جلوه می‌کند. درحالی‌که از نظر مردم از سبک و خوک هم پست‌تر می‌باشد. (همان)
امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند:
از عواملی که می‌تواند ما را به بر قاطر با امام ملاقات کرد. پیاده شد و مرکب را نزد حضرت برد و دیگری یابن رسول‌الله سوار شوید و آن حضرت امتناع ورزید و سوار نشد. نعمان چند بار سخن خود را تکرار کرد و امام را سوگند داد که سوار شوند.

امام فرمود:
حال که مرا سوگند دادی، وادارم کردی به کاری که در دل کراهت داشتم. پس خودت سوار شو و من نیز پشت سر تو سوار خواهم شد. زیرا از مادرم فاطمه(س) شنیدم که از قول رسول خدا(ص) می‌فرمود:
هر انسانی برای سوار شدن بر مرکب خویش از

## \* حفص بن غیاث می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: اگر فردی یک انسان گناهکاری را ببیند و به خاطر بی‌گناهی و پاکدامنی خود، خویشتر را از او برتر بداند چطور است؟ فرمود: هرگز هرگز، چه بسا که آن فرد گناهکار در نهایت آمرزیده شود، اما تو را برای حسابرسی مدت‌ها نگاه دارند.

امتیازی در خود ببیند که به دیگران افاده کند این تکبر از جنود جهل است. (طریق وصل ص ۱۲۳)
تواضع سر رفعت افزاؤدت

تکبر به خاک اندر انداؤدت
کلیات سعدی ص(۲۶۵)

**حفظ کرامت انسانی**

مردانصاری از امام حسین(ع) تقاضای مقداری پول کرد. حضرت فرمود:
ای برادر، ابروی خود را از درخواست حضوری نگهدار و حاجت خویش را به وسیله نامه‌ای برایم بنویس. هر چه تو را شاد کند آن را انجام خواهم داد. او نوشت ای اباعبدالله فلانی از من باند اشرفی می‌خواهد و اصرار دارد که زود بگیرد. به او را سفارش کنید به من فرصت بدهد. حضرت همین که نامه را خواند به منزل او رفت و

## دو هفته ۲۰ خرداد ۱۳۹۲

کسیبای حامل هزار اشرفی به او هدیه کرد و فرمود:
با نصف آن قرض خود را بده و با نصف دیگر زندگی خویش را اداره کن. در پایان فرمود:
همیشه از سه گروه زیر تقاضا و درخواست کن:
اول: مردم دین دار، و ایمان: زیرا آنها برای حفظ دین خود نیازت را برآورده می‌کنند. دوم: مردم جوانمرد و با مروت. زیرا آنها از مردانگی خود شرم دارند و لذا به تقاضای دیگران پاسخ مثبت می‌دهند. سوم: مردم خانواده‌دار و دارای اصل و نسب. زیرا آنها خوب می‌دانند که تقاضاکننده درواقع آبروی خود را در معرض خطر قرار داده است. لذا برای حفظ آبرو نیاز درخواست‌کننده را اجابت می‌کنند. (تحف‌المقول ص ۲۵۱)

شخصی خدمت امام صادق(ع) آمد و شروع کرد از تنگدستی خودگفتن و از وضعیت بداتقصادی خویش شکایت نمود. حضرت به یکنی از اطرافیان خود فرمود:
و فلان مقدار دینار تهیه کن و به او بده. آن فرد گفت:
اقا مقصودم دریافت چیزی نبود. فرمود:
من هم نگفتم که مقصودتو این بود اما یک نصیحت به تو می‌کنم: هر گرفتاری و سسختی که داری برای مردم نقل نکن، زیرا کوچک می‌شوی. اسلام دوست ندارد مؤمن در نظر دیگران تحقیر گردد، بلکه صورت خود را با سبیلی هم که شده سرخ نگه دار. عزت خود را حفظ کن.

علی(ع) فرمود:
- رضی باللذل من کشف ضره- کسی که درد خود را به دیگران می‌گوید، آبرو و عزت خویش را از بین می‌برد. (آزادی معنوی ص ۲۰۵)

یکی از اصحاب پیامبر(ص) که دچار تنگدستی و فقر شدیدی شده بود پس از مشورت با همسرش تصمیم گرفت خدمت رسول‌الله برود و از آن حضرت استمداد مالی کند. با همین نیت نزد حضرت رفت. اما قبل از اینکه حاجت خود را بگوید، این جمله را از زبان پیامبر(ص) شنید که:
هر کس از ما کمک می‌خواهد ما به او کمک می‌کنیم ولی اگر بی‌نیازی ورزد و دست حاجت پیش مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند.

آن روز چیزی نگفت و به خانه برگشت. به همین ترتیب به علت فشار فقر تا سه بار خدمت پیامبر(ص) آمد و هر بار همان عبارت را از حضرت شنید. بار سوم اطمینان بیشتری در قلب خود احساس کرد. حس کرد که کلید مشکل خویش را در همین جمله یافته است. عزم جزم کرد که از کسی کمک نگیرد و فقط از خدا استمداد کند. فکر کرد که از من چه کاری ساخته است؟ به نظرش رسید عجالتا این قدر از او ساخته است که برود به صحرا و هیزمی جمع کند و بیابود بفروشد. تیشه‌ای عاریه کرد و همان کار را کرد. لذت حاصل از دسترنج خویش را چشید. این کار را آن‌قدر ادامه داد تا اینکه صاحب سرمایه و غلامانی شد. روزی رسول اکرم به او رسیدو تبسم‌کنان فرمود:
نگفتم هر کس از ما کمک بخواهد ما به او کمک می‌کنیم ولی اگر بی‌نیازی بورزد خداوند او را بی‌نیاز کند. (داستان راستان ص ۲۷)

آقای حاج حسین انصاری نقل می‌کنند:
دوست خیرری داشتم که می‌گفت:
در یکی از محلات فقیر قم به چند خانواده ابرومند کمک‌هایی می‌کردیم. یک روز در گوشه مسجد طباطبائی زنی با وقار بیایی من آمد و روز مختصری را به من داد و گفت:
تا این هفته مستحق بودم. اما چون تنها پسرم خدمت سربازی‌اش تمام شده و مشغول به کار گردیده و درآمد وی نیز کفاف زندگی ما را می‌کند، لذا پول شما بیش از کفاف ماست و هزینه کردنش از نظر شرعی مشکلolan را از ما بر شما برمی‌گردانم. او در واقع صدقات واقعی انسان با کرامت است. (عبرت‌آموز ص ۲۵۲)

است که نشان می‌دهد دارای چه شخصیت محکم و استوار است. برای شناخت معیارهای منفی در شخصیت افرادی که نامزد ریاست جمهوری هستند می‌توان به اشخاصی که در قرآن به عنوان طاغوت معرفی شده‌اند توجه کرد. خداوند در آیات قرآنی بیان می‌کند که طاغوت چگونه فکر و عمل می‌کند. از جمله فرعون و نمرود در دیگری که خود را شایسته رهبری و زعامت مردم می‌دانستند و مسئولیت‌هایی را در اختیار گرفتند ولی مردم را به بدبختی سوق دادند. با شناخت این افراد می‌توان رویکردهای نامزدها و شخصیت آنان را ارزیابی کرد.
**۱. لجاج‌بازن:**
یکی از نشانه‌های شخصیت نامتأم، لجاج‌بازی است. کسی که چون کودکان لجاج‌بازی می‌کند و نمی‌خواهد حقایق را بشنود و حتی اگر شنید و شناخت به خاطر سست‌های قومی و افکار جناحی آن را نپذیرد، دارای شخصیتی بیمار است و لیاقت و شاینت مسئولیت‌پذیری را ندارد. (نمل، آیه ۱۴)

**۲. تکبر و تفاخر:**
مشی و رفتار انسان، بیانگر شخصیت اوست. کسی که اهل تواضع نیست و چنان در جامعه راه می‌رود که گویی می‌خواهد چون کوه گردن‌کشی کند و بر همگان مسلط باشد، چنین شخصی لیاقت مسئولیت‌های مهم را ندارد. رفعت و نشت و بخراسات برای متکبر نشان می‌دهد که چگونه هستند. حق شنستن در صندلی، عکس‌هایی که بیانگر نوع تسلط از بالا به پایین است و بیننده را کوچک قرار می‌دهد، نشانه‌های تکبر است. خداوند در سوره لقمان نشان می‌دهد که متکبر چگونه راه می‌رود و می‌نگرد. (لقمان، آیات ۱۳ تا ۱۹)

**۳. استبداد در رأی و نظر و مشورت‌ناپذیری:**
از دیگر نشانه‌های شخصیت نامتأم، استبداد در رأی و نظر است. چنین شخصی هرگز به بلوغ نرسیده است؛ زیرا شخصیتی بیمار دارد و حاضر نیست تا از عقل و هوش دیگری بهره برد. کسی که خود را فرارغ‌التحصیل می‌داند و مشورت دیگران را نمی‌پذیرد و خود را عاقل کل می‌داند که همه می‌بایست با او مشورت کنند و او نیزبای به مشورت با دیگری نداند، چنین شخصی از تعادل شخصیت برخوردار نبوده واز عقل واقعی و حقیقی بی‌بهره است. (غافر، آیه ۲۹)

**۴. تقدناپذیری:**
از دیگر نشانه‌های شخصیت بیمار تقدناپذیری است. انسان عاقل می‌داند که همه چیز را همگان می‌دانند و این‌گونه نیست که انسان هر چیز را به تمام بداند؛ چرا که آنچه می‌داند تنها گوشه‌ای ناچیز از علومی است که خدا در اختیار بشر قرار داده است. (اسراء، آیه ۵۸)

آدم عاقل می‌داند که معصوم نیست و ممکن است در رأی و نظر و عمل اشتباه و یا خطا کرده باشد وخطا را واقع وحقیقت بداند. پس احتمال خطا و اشتباه او را وادار می‌کند که تقدپذیر باشد. از این رو فرعون خود را کامل می‌دانست و با روش و روش و طریقت خود را بر هدایت دیگران را بر ضلالت برساند و هیچ نقد و رأی مخالفی را نمی‌پذیرفت. (غافر، آیه ۲۹ و آیات دیگر)

### \* برای شناخت معیارهای منفی در شخصیت افرادی که نامزد ریاست جمهوری هستند می‌توان به اشخاصی که در قرآن به عنوان طاغوت معرفی شده‌اند توجه کرد.

**۵. قانون‌گریزی:**
از دیگر نشانه‌های انسان نامتعادل قانون گریزی است. کسی که قانون آشکاری را در مناظره نمی‌پذیرد، نشان می‌دهد که نسبت به قانون‌های سخت‌تر که مخفیانه می‌تواند آن را رد کند، قانون‌گریز خواهد بود. نقد قانون یک معنا دارد ولی عمل نکردن به قانون مصوب یک معنای دیگر دارد. خداوند کسانیی را که قانون را به هر دلیلی اجرا نمی‌کنند به عنوان افراد فاقد تقوای عملی معرفی می‌کند. آیات بسیاری در این باره می‌توان در قرآن شناسایی کرد.
**۶. واکنش بر خاشاک‌ران:**
انسان‌ها در بحران‌های خود را چنانکه هستند نشان می‌دهند. کسی که نتواند از بحران‌هایی چون پرسش‌های ناگهانی که در آن باره مطالعه و تحقیقی نداشته است، بگذرد و عبور کند، به برخشگرگی روی می‌آورد. چنین روشی موجب می‌شود تا هم کنترل خود را از دست دهد و هم دیگران را متهم به بی‌سوادی و نادانی و بی‌برنامگی کند. برخشگرگی روشی در آموری چون تکبر، استبداد، خودبزرگ‌بینی و رشود است. آن دارد، شخص برخشگر در حالت تکبر، می‌کوشد تا خود را حق نشان دهد. پرسش‌های ناگهانی که انتظار آن را ندارد، همچنین موجب می‌شود تا هوش افراد نیز به دست آید. کسی که مسئولیت مهمی را به عهده می‌گیرد مانند یک فرمانده جنگی در میدان نبرد می‌بایست به سرعت بهترین و صحیح‌ترین تصمیم را بگیرد و خود و دیگران را از بحران نجات دهد. واکنش صحیح و با برخشگرانه نشان می‌دهد که شخصیت وی نمی‌تواند مدیر بحران خوبی برای کشور در حالت‌های گوناگون باشد.

<sup>[1]</sup> آموخت

<sup>[2]</sup> آموخت